آسیب‌پذیری‌های پدافندی و جایگاه حراست در مدیریت آن

پدافند غیرعامل در شرایط امروز که تهدیدات ماهیت ترکیبی، پیچیده و چندلایه یافته‌اند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بقا و پیشرفت کشور است. حراست‌ها به عنوان خط مقدم صیانت از منابع سازمانی، باید از جایگاه سنتی نظارت و مراقبت فراتر رفته و در نقش «مدیریت ریسک امنیتی» عمل کنند. در ادامه، آسیب‌پذیری‌ها و نقش اجرایی حراست در هر محور به تفصیل بررسی می‌شود:

۱ .آسیب‌پذیری‌های زیرساختی

زیرساخت‌های حیاتی همچون انرژی، آب، حمل‌ونقل و ارتباطات شریان‌های حیاتی کشور محسوب می‌شوند. اختلال در هر یک از آن‌ها می‌تواند کل زنجیره امنیت و خدمات عمومی را دچار بحران کند. تهدیدات طبیعی (سیل، زلزله، فرسودگی شبکه‌ها) و انسانی (خرابکاری، حملات هدفمند یا تحریم‌های فناورانه) مهم‌ترین ریسک‌ها در این بخش هستند، حراست به عنوان چشم بیدار و امین سازمان، می‌تواند با استقرار نظام ارزیابی ریسک، ممیزی امنیتی دوره‌ای و پایش دائمی آسیب‌پذیری‌ها، نقش مؤثری در کاهش خطر ایفا کند. همچنین ایجاد «کمیته‌های مشترک حراست–فنی» برای بررسی نقاط ضعف تاسیسات و تدوین طرح‌های جایگزین ضروری است. در واقع، حراست باید نه فقط ناظر، بلکه تسهیل‌گر ایجاد زیرساخت‌های تاب‌آور باشد و آسیب های مرتبط با محیط خود را بررسی و بصورت تخصصی راهبردهای مناسب برای حل مسئله را اتخاذ نموده و ضریب امنیتی سازمان را ارتقاء دهد.

۲ .آسیب‌پذیری‌های اطلاعاتی و سایبری

جهانی‌شدن فضای مجازی و وابستگی روزافزون سازمان‌ها به شبکه‌های اطلاعاتی، سطح جدیدی از تهدیدات را به‌وجود آورده است. حملات سایبری می‌توانند سامانه‌های حیاتی را فلج کند یا اطلاعات حساس را به بیرون منتقل نمایند، تهدیدات سایبری گاه ترکیبی از نفوذ اطلاعاتی و خرابکاری فیزیکی‌اند که نمونه بارز آن در هک سیستم های اداری و مالی در سال های اخیر شاهد بوده ایم، اما حراست باید محور اتصال امنیت سایبری با امنیت سازمانی باشد. تشکیل «کمیته امنیت سایبری» با مشارکت بخش فناوری اطلاعات و حراست، اجرای آزمون‌های نفوذ، رمزنگاری داده‌ها و پایش دسترسی‌های حساس از جمله وظایف اساسی است. همچنین حراست می‌تواند مسئولیت آموزش

کاربران درباره «رفتار ایمن در فضای مجازی» را بر عهده بگیرد؛ چرا که ضعف انسانی، در بسیاری مواقع، اصلی‌ترین راه نفوذ مهاجمان است.

۳ .آسیب‌پذیری‌های منابع انسانی

منابع انسانی قلب هر سازمان و در عین حال یکی از آسیب‌پذیرترین لایه‌های امنیتی‌است. خطای انسانی، سهل‌انگاری، یا نفوذ عوامل معاند می‌تواند تمامی لایه‌های حفاظتی را بی‌اثر کند. بسیاری از حملات سایبری و عملیات خرابکارانه، نه از طریق فناوری، بلکه با سوءاستفاده از افراد درون سازمان صورت می‌گیرد، حراست باید برنامه‌ای نظام‌مند برای آموزش و پایش کارکنان تدوین کند. این برنامه می‌تواند شامل غربالگری اولیه در استخدام، ارزیابی‌های دوره‌ای برای کارکنان حساس، کارگاه‌های آموزشی در حوزه امنیت و همچنین طراحی نظام تشویق و تنبیه باشد. حراست باید فرهنگ «امنیت سازمانی» را در کارکنان نهادینه کند تا هر فرد خود را بخشی از زنجیره پدافند غیرعامل بداند.

٤ .آسیب‌پذیری‌های فیزیکی مراکز حساس

زیرساخت‌ها و مراکز حیاتی اگرچه در ظاهر مقاوم به‌نظر می‌رسند، اما در عمل با ضعف‌هایی در طراحی فیزیکی و کمبود تجهیزات حفاظتی روبه‌رو هستند. فقدان استانداردهای امنیتی در طراحی ساختمان‌ها، عدم توجه به لایه‌های حفاظتی چندگانه و نبود سناریوهای اضطراری از جمله آسیب‌های رایج است، حراست باید در تمامی مراحل از طراحی تا بهره‌برداری مراکز حساس حضور داشته باشد. نقش آن فقط کنترل ورود و خروج نیست؛ بلکه تدوین طرح‌های حفاظتی، برگزاری رزمایش‌های امنیتی، و شبیه‌سازی حملات احتمالی از وظایف ضروری است. به عبارت دیگر، حراست باید از یک «واحد واکنشی» به یک «واحد پیش‌نگر و بازدارنده» ارتقا یابد.

۵ .آسیب‌پذیری‌های مدیریتی و بین‌بخشی

یکی از چالش‌های جدی در کشور، نبود انسجام مدیریتی و هماهنگی بین‌بخشی در مواجهه با بحران‌هاست. موازی کاری، کندی واکنش و پراکندگی وظایف موجب می‌شود که تهدیدات پیچیده به‌راحتی از سد مدیریت عبور کنند. این ضعف مدیریتی در مواقع بحران می‌تواند شدت آسیب‌ها را چند برابر کند و کنترل آن را مختل نماید، که در این حوزه، حراست باید به عنوان حلقه اتصال بین مدیریت سازمان، دستگاه‌های بالادستی امنیتی و سایر بخش‌های اجرایی عمل کند، تشکیل «شورای هماهنگی پدافند غیرعامل» با محوریت حراست، تدوین نقشه راه بحران و تعریف

سناریوهای مشخص برای هر تهدید، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سرعت واکنش داشته باشد. همچنین حراست با ایجاد بانک اطلاعاتی از تهدیدات سازمانی، می‌تواند ابزار تصمیم‌گیری مدیران ارشد باشد.

جمع‌بندی:

آنچه روشن است این‌که کشور در برابر تهدیدات چندلایه و ترکیبی امروز، نیازمند بازتعریف جدی در نظام پدافند غیرعامل است. جایگاه حراست در این بازتعریف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حراست در تماس مستقیم با سه حوزه اصلی یعنی منابع انسانی، اطلاعات سازمانی و زیرساخت‌های فیزیکی قرار دارد، بنابراین، ارتقای نقش حراست از یک واحد صرفاً نظارتی به نهادی فعال در حوزه مدیریت ریسک، آموزش امنیتی و هماهنگی بین‌بخشی، ضرورتی انکارناپذیر است. تنها در این صورت است که می‌توان آسیب‌پذیری‌ها را به حداقل رساند و تاب‌آوری ملی را در برابر تهدیدات افزایش داد.